

مرور برخی از زمینه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بروز انقلاب اسلامی در فیلم های دهه ۵۰ و ۶۰

چرایی انقلاب ۵۷ به روایت سینما



همیشه و همواره در همه‌جای دنیا، هنرمندان سعی کرده و می‌کنند هنرشان، زبان گویا و بُرنده‌ای برای بیان سبک‌زندگی، کمی و کاستی‌ها و رنج و دردهای جامعه پیرامونشان باشد و اثری که خلق می‌کنند آینه تمام‌نمای حال و هوای مردم آن روز، با تمام تلخی‌ها و سیاهی‌ها باشد. گاهی این آثار، فرزند زمان خودشان هستند و با سرکوب و سانسور مواجه می‌شوند و گاهی هنرمند، صبورانه انتظار می‌کشد و وقتی شرایط آرام‌تر شد، به بازخوانی تاریخ می‌پردازد. سینمای ایران هم از این قاعده مستثنا نبوده و نیست و زندگی سخت، شرایط پیچیده فرهنگی و اجتماعی، فشارها و کمبودهای معیشتی و خفقان و حقوق و خواسته‌های به حق اما سرکوب‌شده مردم که مثل قطرات آب، ذره‌ذره جمع شد و سیلاب پر قدرت انقلاب اسلامی را شکل داد، از نگاه تیزبین فیلم سازان قبل و بعد از انقلاب پنهان نمانده. سینمایی که از سال ۴۸، با تولید واکران فیلم‌هایی مثل «گاو»، «قیصر» و «گوزن‌ها»، قدم در به‌اصطلاح «موجی نو» گذاشت و فعالیت کارگردانان جسور و خوش‌فکری مثل «مسعود کیمیایی»، «داریوش مهرجویی» و «علی حاتمی» برای به تصویر کشیدن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی اعتراضات مردم دردمند و رنج‌کشیده ایران که بعدها منجر به انقلاب شد، کمک کرد مخاطب عام سینمای آن روز از عناصر سرگرم‌کننده عموم فیلم‌ها مثل خشونت و طنز و جاهل‌مسکلی دلزده و توجهش به مسائل مهم‌تری جلب شود. بعد از انقلاب هم، روند ساخت و تولید فیلم‌هایی که سعی می‌کردند مشکل و معضلات فرهنگی، اجتماعی و معیشتی مردم ایران پیش از انقلاب را به تصویر بکشند و تکه‌ای از پازل بازخوانی ابعاد گوناگون انقلاب ۵۷ باشند، با تلاش کارگردان‌هایی مثل فخریم زاده و... شروع شد و تا همین سال‌ها ادامه دارد و ساخت فیلم‌های متفاوتی مثل «سیانور»، حکایت از این دارد که حال و هوای مردم ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ و ریشه‌ها و ماجراهای شکل‌گیری انقلاب ایران و روزهای بعد از آن، آن قدر غنی است که حالا حالاها می‌تواند دست مایه ساخت فیلم‌های شگفت‌انگیز باشد. پرونده امروز زندگی‌سلام، قرار است مروری داشته باشد بر تعدادی از مهم‌ترین این فیلم‌ها که در دهه ۵۰ و ۶۰ ساخته شده‌اند و شرایط زندگی مردم را در سال‌های پیش از انقلاب به تصویر کشیده‌اند.

تصویری از فیلم «مسافران مهتاب»

«اعدامی»، نمایشی از خشونت و خفقان بی‌حصر رژیم	
محصول: ۱۳۶۰	
کارگردان: محمدباقر خسروی	
بازیگران: پرویز فنی‌زاده، رضا کرمرضایی، داوود رشیدی	

قصه فیلم: مردی (قدرت) با تنگ بادی خود به عکس‌های اسکناس‌ها شلیک می‌کند و چشمان شاه را هدف قرار می‌دهد. اسکناس‌ها در شهر پخش می‌شود و تعدادی هم به دست عوامل ساواک می‌افتد. آن‌ها گمان می‌کنند توطئه‌ای خطرناک در کار است، تمام نیروهای خود را بسیج می‌کنند، چندین نفر را دستگیر و شکنجه می‌کنند و چون به نتیجه‌ای نمی‌رسند، از سازمان‌های جاسوسی دیگر کشورها کمک می‌گیرند؛ کارشناسان «سیا» و «موساد» هم به نتیجه‌ای نمی‌رسند. ساواک همچنان به جست‌وجو ادامه می‌دهد تا این‌که سرانجام طی یک سلسله ماجراهای طنزآمیز، قدرت دستگیر و زندانی می‌شود. ساواک که به‌پوچی مسئله آگاهی پیدا کرده، برای سرپوش گذاشتن بر کارهایش موضوع را مهم و جدی تلقی و طوری وانمود می‌کند که انگار توطئه خطرناکی را دفع کرده‌است.

چه معضلی را نشان می‌دهد؟

اعدامی، انعکاس حقایقی است که ملت ما سال‌ها با آن دست به گریبان بود؛ مجموعه تقریباً کاملی از ویژگی‌های رژیم شاه، خفقان، خشونت، بی‌عدالتی، ترس و توهم دایمی توطئه، چاپلوسی‌های ساواک و وابستگی رژیم به کشورهای بیگانه –ساواک برای خنثی کردن توطئه‌ای که توهمی بیش نیست، دست به دامن سیا و موساد می‌شود-. فیلم مربوط به زمانی است که ساواک به نهایت قدرت خود رسیده‌بود و از هیچ کاری برای خوشایند شاه ابایی نداشت؛ دستگیری مرد گارچی و معنادر در این فیلم هم نمونه تأسف‌بار چنین خودشیرینی‌هایی است. «اعدامی» با طنز تلخ خود، عملکرد دردناک و درعین‌حال مضحک مأموران ساواک و اربابانشان را در قبال مردم فقیر- «قدرت» راه امرار معاشی جز یک تنگ بادی ندارد- و بی‌گناه و مظلوم نشان می‌دهد. پایان فیلم هم مهر تأیید دیگری است بر روابط دولت و مردم در زمان شاه؛ قدرت بعد از پیگیری ساواک دستگیر و فقط به خاطر جلب رضایت شخص شاه و چاپلوسی رؤسا و فرماندهان کل، اعدام می‌شود.

«ای ایران»، به دور از شعارزدگی	
محصول: ۱۳۶۸	
نویسنده و کارگردان: ناصر تقوایی	
بازیگران: اکبر عبدی، ثریا حکمت، حسین سرشار	

قصه فیلم: در بحبوحه انقلاب، گروهیان «مکوندی» به ماسوله می‌روند و مردم را آزار می‌دهد. او برای آن‌که منطقه تحت نفوذش از شهرهای دیگر کم نیابد، حکومت نظامی اعلام می‌کند. کسبه بازار، معلم‌ها و دانش‌آموزان مدرسه با او مقابله می‌کنند و همزمان با فرار شاه از کشور، به پاسگاه تحت فرماندهی او که جشنی به پنهان ارتقای درجه مکوندی برپاست، هجوم می‌برند و بساطش را به هم می‌ریزند.

چه معضلی را نشان می‌دهد؟

«ناصر تقوایی» بعد از گذشت یک دهه از پیروزی انقلاب، داستانی را انتخاب می‌کند که سوزه‌ای مرتبط با مبارزات مردمی و وضعیت مملکت در رژیم سابق دارد. تقوایی هرچند به سیاق بیشتر فیلم‌های مرتبط با انقلاب، روایتی از یک روستای

دور از مرکز را به تصویر می‌کشد و خواه ناخواه به فیلم وجهی تمثیلی می‌بخشد اما با یک فیلم‌نامه منسجم و به دور از شعارزدگی شکل دیگری از این جنس سینما را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. مکوندی نماد نظام طاغوتی حاکم بر کشور است که به جای حل مشکل، تنها به سرکوب و تهدید مردم می‌پردازد. تقوایی، تلاش کرده طیف‌های مختلف دخیل در مبارزات انقلابی را در فیلمش بازنمایی کند و از طرف دیگر گریزی بزند به زندگی شخصی و خصوصی سرمداران حکومت و به جای ساخت شخصیتی مطلقا شرور، به یک پرداخت چندلایه و انسانی از آن‌ها پرداخته است.

«خاک»، نمادی از توزیع قدرت در دوران پهلوی	
محصول: ۱۳۵۲	
کارگردان: مسعود کیمیایی	
بازیگران: فرامرز قریبیان و جعفر والی	



نزاع او و نوچه‌هایش بر سر زمین منجر به مرگ مسیب و زخمی شدن صالح می‌شود. صالح که بر اثر نزاع با غلام و اصابت ضربه بیل بر سرش تعادل روانی خود را از دست داده است، غلام را در میدان آبادی به قتل می‌رساند. سپس به دست ژاندارها دستگیر و روانه زندان می‌شود.

چه معضلی را نشان می‌دهد؟

فیلم خاک تغییر زیادی در داستان «اُوسنه باباسبحان» ایجاد کرده و علاوه بر اعتراض به زورگویی فتو‌الی‌سیسم (مفهوم خود کتاب) به نفوذ بیگانگان و غارت آنان در منابع ملی ایران هم اشاره می‌کند. کیمیایی در این فیلم به خوبی نظام خان سالاری آن دوره و توزیع قدرت میان افراد نالایق را نشان می‌دهد، او همچنین فقر و تنگدستی مردم و در حقیقت رعیت بودن روستاییان را هم نشان داده است. این فیلم، نظام شاهنشاهی که قدرت را حق مسلم خود می‌دانست و بر مردم حکمرانی می‌کرد و برای نیل به مقاصد شخصی انسان‌ها را از بین می‌برد نشان می‌دهد و بی قانونی کشور در حمایت از مردم ضعیف را به تصویر می‌کشد. کیمیایی در مصاحبه‌ای، در پاسخ به سوالی درباره خشونت تصویر شده در صحنه شتر کشی فیلم «خاک» می‌گوید: «خشونت وجود دارد، ولی آیا خشونت در بریدن گردن شتر بود یا در کاسه‌های خالی مردم و رفع گرسنگی؟»

«مسافران مهتاب»، مصائب یک روستایی در شهر	
محصول: ۱۳۶۶	
کارگردان: مهدی فخیم‌زاده	
بازیگران: حسین گیل، مهدی فخیم‌زاده	



قصه فیلم: «سلیمان» در پی بیکاری و فقر، به همراه برادرش «نمکی» که معلول ذهنی است به شهر می‌رود و در خانه «مرد» برادر دیگرش ساکن می‌شود. سلیمان در پی یافتن کار از نمکی غافل می‌شود و مرد هم که از حضور آن‌ها در شهر به ستوه آمده، نمکی را تحت آزار و اذیت قرار می‌دهد. در این میان تفاوت‌های فضای شهری و روستایی و نبود کار مناسب امان سلیمان را بریده است، به طوری که پس از اشتغال در هر کاری، بعد از مدت کوتاهی اخراج می‌شود.

چه معضلی را نشان می‌دهد؟

داستان فیلم «فخیم‌زاده» درباره سلیمان است که همراه برادر معلولش برای پیدا کردن کار به تهران می‌آید. فقر و بیکاری از دیگر مسائلی است که فخیم‌زاده در فیلمش به آن اشاره می‌کند.

در دهه ۴۰ حکومت پهلوی تصمیم به اتخاذ سیاست‌های اصلاحات ارضی گرفت که به انقلاب شاه و ملت معروف بود. این اصلاحات، اقتصاد ایران را دچار تحولات و بحران‌های فراوانی کرد. همچنین باعث فقیرتر شدن میلیون‌ها روستایی، سیر صعودی بیکاری و کار با مزد کم شد که باعث می‌شد جوانان به شهر مهاجرت کنند. در این بین تضاد عقاید دینی، مذهبی و تفاوت آداب و رسوم مردم روستا و طبقه غریزده و نوکیسه شهری باعث نزول عزت نفس و تحقیر روستایی‌ها در شهر می‌شود و هر چه بیشتر زمان می‌گذرد، سرخوردگی‌ها و خشم‌های فروخورده فرد بیشتر و در نهایت به‌راحتی به عاملی برای انقلاب مبدل می‌شود.

«گاو»، نماینده معیشت نابه سامان مردم	
محصول: ۱۳۴۸	
کارگردان: داریوش مهرجویی	
بازیگران: انتظامی، علی نصیریان، جمشید مشایخی	



قصه فیلم: همه امید زندگی «مش‌حسن» به تنها گاوی است که در طولیه‌اش دارد و از وجود آن امرار معاش می‌کند. به‌همین دلیل مش‌حسن دلبستگی خاصی به گاو دارد اما روزی در غیاب او حیوان می‌میرد. اهالی روستا با موافقت همسر مش‌حسن، نعش گاو را در چاه می‌اندازند و بعد از بازگشت او وانمود می‌کنند که گاو فرار کرده ولی مش‌حسن باور نمی‌کند و اعتقاد دارد اهالی روستا گاو را کشته‌اند. بعد از آن، حاشش دگرگون می‌شود و خود را گاو می‌پندارد. کدخدا و یکی دیگر از اهالی تصمیم می‌گیرند مش‌حسن را برای درمان به شهر ببرند ولی او وسط راه فرار می‌کند و با سقوط در دره به سرنوشت گاوش دچار می‌شود.

چه معضلی را نشان می‌دهد؟

اصلاحات ارضی عبارت است از تغییرات اساسی در میزان و نحوه مالکیت اراضی به‌ویژه اراضی کشاورزی که ادعا می‌شد برای افزایش بهره‌وری عمومی جامعه صورت می‌گیرد. این اصلاحات اما خصلت نظام کشاورزی قبلی را که در آن اقلیت مالک با استثمار اکثریت روستائین از کار کشاورزی سود می‌برد، تغییر نداد. تعدادی از اربابان سابق از این نظام حذف شدند اما جای آن‌ها را اقلیتی از کشاورزان که ۱۰ هکتار زمین یا بیش از آن دریافت کرده‌بودند و بورژوازی دهقانی (تجار خوش‌نشین) گرفتند. این هر دو از ایجاد روابط استثماری با زارعان معیشتی و کارگران کشاورز فاقد زمین، سود می‌بردند. «گاو» هم برخلاف ادعای رژیم شاه مبنی بر این‌که سیاست «اصلاحات ارضی»، به کلی فضاهای روستایی را دستخوش تحول کرده‌است و روستاها در آستانه ورود به دوران «مدرنیزاسیون» و نوسازی فرهنگی و اقتصادی قرار دارند، فضایی غمزده و فقرآمیز از روستاهای ایران به تصویر می‌کشد؛ تنها سرمایه و ممر درآمد مش‌حسن یک گاو است و طبیعی است که از دست‌دانش منجر به چون‌شود. «گاو» در زمان خودش، توقیف شد چرا که آن زمان تبلیغات شاه با تأکید بر مدرنیزاسیون روستاها با آن‌چه در فیلم نشان داده می‌شد، همخوانی نداشت. از طرف دیگر اقبال جهانی به فیلم، باعث شد ادعاهای شاه در عرصه بین‌المللی هم با چالشی جدی مواجه شود.

«سناتور»، فساد بزرگ نشدنی پهلوی‌ها	
محصول: ۱۳۶۳	
کارگردان: مهدی صباغ‌زاده	
بازیگران: فرامرز قریبیان، بیژن امکانیان، عنایت بخشی	



قصه فیلم: استوار «حقگو» مقدار زیادی هروئین را که در کامیونی جاسازی شده است، کشف می‌کند. «علی حقیقت»، راننده کامیون، از وجود هروئین‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. با اطلاعاتی که علی در اختیار استوار حقگو می‌گذارد استوار در می‌یابد که شبکه ورود و توزیع هروئین را سناتوری انتصابی مدیریت می‌کند. او ماجرا را به اداره آگاهی و شهربانی اطلاع می‌دهد، اما...

چه معضلی را نشان می‌دهد؟

از جمله فسادهای چشمگیر رژیم پهلوی قاچاق مواد مخدر در سراسر جهان بوده است. به‌طوری که سران این رژیم به خصوص یکی از خواهران شاه، از چهره‌های درجه یک مافیای بین‌المللی مواد مخدر در جهان شناخته می‌شدند. این در حالی بود که هر از چندگاهی دستگاه‌های تبلیغاتی پهلوی با تبلیغات گسترده و کنفرانس‌های فراوان علیه قاچاق مواد مخدر و دستگیری عده‌ای قاچاقچی خرده‌پا، ژست مبارزه با مواد مخدر را به خود می‌گرفتند اما در عمل خود از بزرگان قاچاق مواد مخدر بودند. مواد مخدر توسط دیپلمات‌های ایران و فامیل سلطنت به دنیا حمل می‌شد در حالی که اگر یک فرد عادی در ایران دو کیلو تریاک داشت تیرباران می‌شد!